

در آستانهٔ چهل سالگی کارنامه‌ای پر بار و متفاوت در دست دارد. همکاری با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تصنیف دو مجموعه برای کودکان موسوم به «آواز فصلها و رنگها» و «آوازهای دیگر»، ساختن موسیقی متفاوت برای چند فیلم در شمار فعالیت‌های پیش از سال ۵۷ اوست. پس از انقلاب به غرب رفت اما مثل خلیلیا به همبرگر سرخ کنی و خودساختگی دچار نشد. شش سال مداوم را صرف آموختن رشتهٔ موسیقی کامپیوتر کرد و پس از آن به موطنش بازگشت. می‌گوید «یک شرقی در غرب، همیشه یک غریبه است.» در این دوره کارهای او عبارتند از:

- ۱- موسیقی فیلم «نارونی»
- ۲- موسیقی فیلم «دندان مار»
- ۳- موسیقی فیلم «تیغ آفتاب»
- ۴- موسیقی فیلم «تعقیب سایه‌ها»
- ۵- موسیقی فیلم «سایه خیال»
- ۶- موسیقی فیلم «گرچه آواز خوان»
- ۷- «پاییز طلایی» تکنوازی پیانو
- ۸- مجموعه ترانه‌های کودکان
- ۹- مجموعه از «بهار تا بهار»
- ۱۰- موسیقی نوار «ابیات تنهایی»- اشعار سهراب سپهری
- ۱۱- موسیقی نوار «در شب سرد زمستانی»- اشعار نیما یوشیج
- ۱۲- «آوازهای سرزمین خورشید» - مجموعه ترانه‌های بومی- محلی با صدای محمد نوری
- ۱۳- مجموعه «پرواز» با همکاری منوچهر بیگلری
- ۱۴- پاییز طلایی (۲) - تکنوازی پیانو

۱۵- موسیقی فیلم «لالا و لولو او در هریک از اینها کوشیده است اثری متفاوت بیافریند و این تشخیص حاصل جستجوها و مطالعات جانبی و وسواس اوست. لاجینی اهل هیچیک از باند بازیهای ادبی- هنری مرسوم نیست. تمام دنیای او در اتاق کار کوچکش که بیشتر شبیه یک لابراتوار است خلاصه می‌شود. عمری را سالم زیسته و تن به هیچ ابتدالی نیالوده است. می‌گوید: «با موسیقی‌ام زندگی می‌کنم.»

● از دیروزتان بگوئید، در باب معرفی و معارفه

- در خانواده‌ای اهل هنر به دنیا آمدم. از این رو از همان کودکی مسحور موسیقی شدم، ده ساله بودم که به طور جدی موسیقی را در هنرستان موسیقی، آغاز کردم و در ۲۱سالگی در کسوت یک آهنگساز، کار حرفه‌ای‌ام را دنبال کردم. مجموعه «فصل‌ها و رنگها» از جمله «کارهای ابتدایی‌ام بود در آن زمان با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، همکاری می‌کردم. با چنین زمینه‌ای بود که در سال ۵۷ راهی اروپا شدم تا آگاهی‌هایم را در زمینهٔ موسیقی تکامل بخشم، در سوئیس، فرانسه و اسپانیا، به تحقیق و پژوهش در موسیقی نوین جهان پرداختم و در سال ۶۱ به عضویت انجمن آهنگسازان جهان در آمدم و هم‌زمان به دعوت تلویزیون فرانسه همکاری‌ام را با این سازمان آغاز کردم «آثاری» که در این دوره برای کودکان ساخته از تلویزیون آنتن (۲) فرانسه پخش شد. در فرانسه با موسیقی کامپیوتری آشنا شدم. این پدیده نوین موسیقی را با جدیت دنبال کردم و در این رشته فارغ‌التحصیل شدم، پس از آن نیز به کشورم بازگشتم و جالب اینکه از کامپیوتر گاه صدای یک ارکستر بزرگ به گوش می‌رسد و گاه نالهٔ زخمه تازی.

● آیا این یعنی نقطهٔ پایانی بر موسیقی اصیل، بر موسیقی مردمی، بر موسیقی ناب؟

نه، این یعنی زنده نگاهداشتن آن موسیقی. اما اجازه بدهید پاسخ مفصل این سؤال را در بخش کارهای کامپیوتر پاسخ دهم.

● تعریف شما از موسیقی چیست؟

موسیقی، یعنی مجموعه‌ای از احساس‌ها و علائق انسانی،

به گوش برسد، ماشینی که می‌تواند همان نپ چوپان را بنوازد و یا می‌تواند صدای پرشکوه یک ارکستر بزرگ را به گوش برساند. این ماشین «سینتی‌سایزر» نیست که صداهایش تصنعی و ساختگی به گوش می‌رسد. در این سیستم شما اصوات و نتها را روی صفحهٔ تلویزیون می‌بینید و به دلخواه خود می‌توانید تغییرات زیادی در ساختار موسیقی‌تان بدهید، یک نت را در بیابوید و یک نت دیگر جای آن بکارید، بی‌آنکه به ساختار موسیقی لطمه بخورد، موسیقی را تند یا کند کنید، زمان آنرا با همان ساختار، کوتاه و بلند کنید و علاوه بر همهٔ اینها، ناشنیده‌ترین تأثیرات صوتی و یا افکتها را بیافزاید، صدای یک پرندۀ زخمی، که با بالی شکسته می‌خواهد پرواز کند، صدای چشمه‌سار و ریزش قطرات باران و حتی صدای شکستن دل، باور کنید!

کارایی این کامپیوتر، محدودیت ندارد، هر چه را باور ندارید، بر صفحه «مانیتور» می‌آورد.

● آیا این دستگاه در زمینهٔ تولید افکت و دیگر اصوات هم کاربرد دارد؟

- کامپیوتر تکرار همه صداهای ممکن می‌سازد. با مدد از داشته‌های کامپیوتر، می‌توان حیطه توانایی‌های تازمای را تجربه کرد. ورود کامپیوتر، توانایی‌های انسان را برای رسیدن به حیطه‌های تازمای از صدا، صدچندان کرده است.

● موقعیت کنونی موسیقی ایرانی را در مقایسه با گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید.

- زمانی بود که می‌پنداشتیم موسیقی ایرانی به بن‌بست رسیده است و باید آنرا رها کرد اما امروز چنین باوری ندارم، موسیقی اصیل ما، دارد جایگاه خود را می‌یابد و آن رسیدن به متن جامعه و مردم است. اگر چه زمینهٔ کار من موسیقی سنتی نیست، اما نمی‌توانم از اساتیدی که خستگی‌ناپذیر در راه ارتقاء و شناساندن بیشتر موسیقی سنتی از هیچ همتی دریغ نورزیده‌اند ستایش نکنم. اساتیدی همانند جلیل شهناز، اصغر بهاری، فرامرز پایور، تجویدی و از جوان‌ترها، هنرمندانی چون ناصری و فخرالدینی.

اما در اینجا است که موسیقی نوین ما هنوز نتوانسته است جایگاه راستین خود را بیابد. شاید یکی از علل اصلی آن این باشد که معمولاً واژهٔ موسیقی مدرن با پدیده‌هایی مثل موسیقی کابارهای، پانکسیسم یا نغمه‌های گوش‌خراش برخی از جوانان گیتاربدست همراه است. اما جدا از آن پدیده‌ها، موسیقی علمی نوین، همچنان که در جهان، به بطن جوامع راه یافته است، می‌باید در اینجا نیز شکل ماندنی و علمی به‌خود بگیرد، لازمه این تحول، شناسایی تکنیک‌های هنری و تکنولوژی هنر همه جوامع است، با این شناخت می‌توان تحولی بنیادین در موسیقی مدرن ما که از انحرافهای بسیار آسیب پذیرفته است پدید آورد. البته در تاریخ موسیقی، ما گذشتهٔ پرفراز و نشیبی را پشت‌سر گذاشته‌ایم که گاه ویران‌ساز بوده است و گاه خلاقیت‌پرور. آنچه که امروز برای تعالی آن نیاز داریم شناخت پدیده‌های امروز فرهنگ موسیقی جهان، و تازمهای تکنولوژی و پژوهش و جستجو در پهنهٔ اصالت‌ها و داشته‌های موسیقی ماست.

● چه نقشی برای موسیقی فیلم قائل هستید.

- جدا از چند نفر که در ارتقاء سطح موسیقی فیلم، تلاش بسیار کردند، فی‌المثل مرحوم خانم می‌دانیم که امروز آنچه داریم، کمال موسیقی فیلم نیست. برای دستیابی به آن کمال، راه دشوار و درازی در پیش داریم این که گاه می‌بینیم، بسیاری از موسیقی‌های متن فیلمها، مشابه یکدیگر است. باعث حیرت است و تأسف. باید در عرصهٔ موسیقی فیلم، خانه‌تکانی کرد. با مایه‌ها و دستمایه‌های موسیقی امروز و نقش و توان موسیقی فیلم و ارزش‌های آن، آشنا شد و آن کمالی را که آرزوی ماست، بدست آورد.

● اگر یادتان باشد بحث در باره موسیقی سنتی و موسیقی مدرن به بعد موکول شد.

- می‌ترسم کار به پرحرفی بکشد

● مشکلی نیست.

- ما وارث گونه‌های موسیقی هستیم که به اواخر دورهٔ ساسانی می‌رسد. به زمانی که در دوران خسرو پرویز دو نامدار زندگی می‌کردند- بارید و نکیس- که بی‌تردید باید آنها را پایه‌گذاران موسیقی ایران خواند. «هفت‌خسروانی» که از

گفتگو

موسیقی دیروز و امروز در گفتگو با

فریبرز لاچینی متخصص

موسیقی کامپیوتری در ایران



* زمانی بود که

موسیقی کامپیوتری در ایران به بن‌بست رسیده است و بساید آنرا رها کرد اما امروز چنین باوری ندارم.

هنگامی که کامپیوتر می‌تواند هر صدایی را چه از طبیعت گرفته و چه از تخیلی با نابترین شکل اجرا کند، چرا نباید گوشه‌ها و ردیفهای موسیقی را به آن داد تا نه‌تنها آنرا در خزانهٔ خود جاویدان کند، بلکه بتواند زوائد و حاشیه‌های آنرا نیز به‌مدور اندازد. با این دستگاه می‌شود خش‌های صفحات قدیمی را گرفت و آنها را با کیفیت بسیار عالی به گوش علاقمندان رساند.

از اینجا است که تکنولوژی پیشرفته به مدد موسیقی می‌آید که خود عین ریاضی است. کامپیوتر می‌تواند اصوات مختلف تولید کند. نمونهٔ صدا به کامپیوتر داده می‌شود که خود آنرا به امواج کامپیوتری تبدیل می‌کند و بر آن اصلاحات لازم را انجام می‌دهد.

ضایعات صدا را از بین می‌برد و ما با کمک اشکالی که بر صفحه «مانیتور» می‌بینم می‌توانیم اصلاحات دلخواه را انجام می‌دهیم. کامپیوتر در حقیقت صدا را به تصویر تبدیل می‌کنند مثل یک «اسیلوسکوپ» طول موج‌ها را به شما می‌دهد. می‌تواند نتها را حذف یا ادیت کند، تکرار یا بهم‌وصل کند، سرعت ببخشد،

«کند» کند بی‌آنکه به ساختار اصلی آن کوچکترین لطمه‌ای وارد شود. همچنین صداهای یا اصوات دیگر را با قدرت موج فرکانسی با قدرت ۳۰ کیلوهرتز ضبط کند. قادر است صداهایی که گاه گوش، توان شنیدن آنها را ندارد تولید یا ضبط کند. حال آنکه امروزه پیشرفته‌ترین دستگاهها تا ۲۴ کیلو هرتز قادر به ضبط صدا هستند.

● از کامپیوتر می‌توان صدای یک پرندۀ زخمی را شنید که با بالی شکسته می‌خواهد پرواز کند، صدای چشمه‌سار و ریزش قطرات باران و حتی صدای شکستن دل، باور کنید!

ماشین یادشده، مشکلات از بین رفتن نوار و پاک‌شدن و مکانیسم نوار و «هد» را که در حقیقت ریختگی نوار و ضایعات سیستم‌های مکانیکی است، ندارد. از آنجا که امواج روی دیسک می‌آیند و بر نامرئیزی می‌شوند تکرار آنها سبب لطمه خوردن به کیفیت صدا نمی‌شود.

می‌دانیم هر ساز، قدرت صدای محدودی دارد هر ساز تا یک فرکانس مشخص بالا یا پایین (بم یا زیر) می‌تواند صدا تولید کند، اجرای صداهای بالاتر یا پایین‌تر از آن فرکانس مشخص، برای آن ساز ناممکن است. اما کامپیوتر، آنجا که قدرت ساز در بالا یا پایین به پایان می‌رسد، کار آن آغاز می‌شود. کامپیوتر در تولید صدا وسیع‌تر از هر سازی است. می‌تواند یک تار، «باس» درست کند و یا یک کمانچه «تنور». ضمن آنکه امواج صدای آن نیز بالاتر از فرکانس‌های هر سازی است. گذشته از این اثرهای صدایی یا افکت‌های آن انعطاف‌پذیرند یعنی صدای یک گربه می‌تواند به «نت» تبدیل شود، کامپیوتر می‌تواند ملودی‌هایی که با حنجرهٔ آن گربه فقط ایجاد می‌شوند را بدون خطا اجرا کند. صداهایی که فقط با سیستم یک حنجرهٔ خاص حیوانی، ادا می‌شوند یا می‌توانند اجرا شوند، اما در حال حاضر اجرای آن توسط آن حنجره ممکن نیست.

همینطور یک انسان، وقتی که به بالاترین صدای آواز می‌رسد و بالاتر از آن دیگر فریاد می‌زند کامپیوتر صدای آن را با بالاترین صدای آواز انسان، می‌تواند اجرا کند.

سیستم ضبط این کامپیوتر ۴۸ مسیر یا «تراک» است یعنی در ۴۸ باند مجزا می‌تواند صداهای را به‌طور مستقل ضبط و پخش کند. می‌توان این صداهای را روی امواج صدا و مستقل بر صفحه تلویزیون تماشا کرد و در آن اصطلاحات و دخل و تصرف کرد. سازهایی که در دسترس نیستند، مثلاً: یک ساز غریب بومی در دورافتاده‌ترین گوشه دنیا، کافی است نمونه آنرا به ماشین بدهید و هر آنچه را که می‌خواهید برنامریزی کنید تا با صدای آن ساز اجرا شود. مثل اسلحه لیزری می‌ماند که می‌توان با آن به هر گوشه جهان شلیک کرد.

در این سیستم پیچیده، واژه‌های موسیقی تبدیل به عدد میشوند. زبان موسیقی به عدد و به صورت تصویر درمی‌آید. مثلاً نت سفید ۱۹۲ و نت سیاه به ۹۶ و نت چنگ ۴۸ می‌شود. زبان کامپیوتر، زبان اعداد است. حساسیت کامپیوتر غریب است. اگر یک نوازنده: پیانو، با سرانگشت یک «آکوردی» را بگیرد، فشار سه انگشت او بر شاسی‌های پیانو، یکسان نیست. کامپیوتر، براحتی این فشارها را محاسبه و اعلام می‌کند و شما به دلخواه فشار هر انگشت را می‌توانید، کم یا زیاد کنید، همینطور میزان و فشار کشش آرشه «برویلون» یا ضربات مداوم بر «تیمپانی».

«اکو» یا برگشت صدا در پیشرفته‌ترین دستگاهها، از چند مورد بیشتر تجاوز نمی‌کند. اما ماشین ما بی‌نهایت «اکسو» دارد می‌توانید سالتی را که در آن اثری اجرا می‌شود. طراحی کنید، سقف را بالا و پایین ببرید دیوارها را تا بی‌نهایت جابجا کنید و آنوقت برگشت صدا را در جایی که یک نوازنده یا آوازخوان می‌ایستد، بشنود. توان یک ارکستر با دهها نوازنده و برتر از بزرگترین ارکسترهای جهان را دارد. نت ساز هر قطعه‌ای، یک نی را مثلاً یک کلارینت، یک تار یا... می‌توان جا به جا کرد و به جای آنها، ساز دیگری نهاد. اشتباهات را می‌توان با تصویر اصلاح کرد. این کامپیوتر می‌تواند در نگاهداری از گنجینه «موسیقی ایرانی که متأسفانه در کنج و گوشه‌های دورافتاده، خاک می‌خورد و از بین می‌رود نقش مهمی داشته باشد مثلاً می‌توان صدای خوانندگانی را با تجزیه و تحلیل کردن به دیسک سپرد و ضایعات آنرا با کمک کامپیوتر اصلاح کرد و از بین برد در مواردی نیز که لازم است، آنها را ترمیم کرد. این ترمیم یا ادیت را بدون چسب و نوار به شکل دیجیتال و تصویر می‌توان انجام داد. می‌توان این ماندگها را به خزائن کامپیوتر سپرد و نگاهداری کرد.

● به عنوان کسی که سالها در زمینهٔ موسیقی کودکان کار کرده است تحلیلان از اینگونه موسیقی چگونه است.

- بچه‌ها می‌باید ملودی‌هایی را بشنوند که بهتر بتوانند خود را با آنها هماهنگ کنند. فواصل این ملودمی‌ها می‌باید کوتاه و نوسانات آنها بسیار کم باشد. نبود وسعت زیاد در این ملودی‌ها سبب میشود که بچه‌ها به آسانی همخوانی با آنها را آغاز کنند. چیزی که هست صدای دنیای بچه‌ها را فقط توسط برخی از سازها می‌توان تکرار کرد و همهٔ سازها، چنین توانی را ندارند. به همین سبب من بیشتر از سازهای «پراکاشن» سازهای کوبی، ضربهای مانند قاشق «کاباسا» و «سیرافون» و «تری‌بانک» استفاده می‌کنم. انتخاب سازها همچنین به نوع شعرها هم بستگی دارد که این دو رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند.

● شنیدم در زمینه آموزش موسیقی کودکان تئوری استفاده از رنگها را مطرح ساخته‌اید

- بله در این روش رنگهای قرمز، آبی، زرد، و سبز... هریک صدایی دارند و آموزش آن هیجانی در بچه‌ها ایجاد می‌کند زیرا همواره در اطراف خود رنگها را می‌بینند رنگ پیراهن پدر، رنگ ماشین کوکی‌اش، رنگهای قالبی و... دنیای رنگها به صدا در می‌آید آن هم با صداهایی آهنگین. در این روش باید خط «حامل» را درست نقش کرد تا بچه‌ها که دلباخته ابزار و اشیاء بزرگ هستند و مدام سودای بزرگ شدن در سر دارند با آنها به راحتی انس بگیرند و آنها را بیاموزند مگر نه اینکه بچه‌ها دوست دارند همیشه کفش بزرگترها را بپا کنند؟

● می‌ماند از شما متشکر